

پا سخن تصریح زمستی ۹۷ - کد ۲۲۰ - ۷ - راهنمایی و زانزه شناسی ساز

سؤال ۱۵۶) مرکت سوال متفعل رملخ بارش -

هزینه ۳) سعیم: حسارت اسلات خارجی از نگاه درست است این پیش

و بروش در آن قرار دارد از نگاه دارای اندام از درونی بارش

- هزینه ۴) در نگاه اندازه ملخی عقیق از طبقه طبع متفعل نهاد ماصلاً بجز ساز است

- هزینه ۵) جمله موارد شکایتی و خوب غذا مهدوی بارش

- هزینه ۶) حقول از طرف منافذ به ملب برخورد

سؤال ۱۵۷) هزینه ۷) بسته لرمهای طایز را هم هزینه کامله همراه باشند (از میله های تاب درس)

سؤال ۱۵۸) مرکت سوال متفعل بخاری مالاری بارش که با سخن همچ

هزینه ۸) بدل ترکیل تپیول از صفر و نیم خونی نیاز به هو جول حقول ساز

هزینه ۹) بدل سب و عرق فرازی از میله های ترکیل کشیده شود.

هزینه ۱۰) افزایش هزار مرغ را داشت

هزینه ۱۱) بخاری اندلی بورل افزایش انوزه های داشت

سؤال ۱۵۹) هزینه هم:

سؤال ۱۶۰) هزینه هم: سوچرس ضربه شکار (راسته) ای بارش

صلق: صرمانزو (جانودال) \rightarrow ساقه (طنابدارال) \rightarrow رده (ستاندارال)

راسته (کوسک خوارال) \rightarrow تیرو (منی سانال) \rightarrow سرمه (Canis lupus)

\leftarrow تونه: Canis lupus

1

۱۲۹ دلرسانی

- تزنه ایم تر هم اند سل
- تزنه؛ هنایارال ساخته نیست سبب رده است
- تزنه؛ هنایارال ساخته باشد نه رده

مُزمن دریافت: متوجه اینکه (نمودار) همچنان خفتی
۱۴.

سازندها: صحت اول مردی طایب بازیزدگر رئیس سازه صباک درست داد

مربوطاً به محرك رله لعن ستوكين مي باشد
نحو ۳: منظور ستوكين انت كه باعث افراش مدت نهاری میوه که ستوك
نه کالس آنها
نحو ۴: تجربه اول مربوطاً به سینه ایمید و تجربه اول مربوطاً به زیر لب می باشد

(۱۴۱) نزدیک درست است. متکلوراز ترکیب است نیز در دار آمنیوامین هاست
که فقط با استفاده از هنار حاصل می شود.

— ترہیز: صلوات اللہ بالمردم مختلف درجات مختلف راست ستر

- لغز شماره ۳: سلوک افسوس دار نویس سلوک راه راه مدنظر هر دو سلوک هارا کدام
همه آنها را آنکه مذکوره در اینجا

- ترتیب: رندر بیوم های ایرانی های هسته و نوکلئی

که هنرمندانه باشند تولید آهنگ (همه هارا صراحت) شد
گزینی عجمیم : انتساب جفت در تعلیم مثل بایت استقال زل هایه مثل
لطفی سودا

- فرضیه (۱): انتساب طبیعی در بود رفتارها خواهد صفت عملی گنبدی در برخی کونه‌ها به رفتارها
- هسته‌رکش تسلیح رعد نه در هر کونه‌ای (متلاطفی اول) میزد از مرتعایی می‌باشد
- فرضیه (۲): در میزد از مرتعایی با انتساب هر را خطر انحراف کونه حمایود دارد.

اراشه سوال ۱۶۲: درسترنو ها: نزدیک: صفات هم سر دندها باشد اثبات جنس
هم سوندر نه بینکس.

سؤال ۱۶۳: نزدیک های بولیاری و میانی بود که مزه خدا تا نزدیک نزد

- الف: نادرست: سلولهای (نزدیک) بولیاری، عضی می باشد راز قلب نورول

- ب: نادرست: طبق شکل کتاب درس نزدیک ارجمندی روکی شکل نزد فاقد زدن خاصی

ص باشد (البته رستوران نزد که اینها مرغ نظر نمی نمایند) (می توانند درست بهم باشد بسته سلیمانی آنها اتفاق نمایند)

- چ: نادرست: نزدیکی فاقد ساختار عصبی می باشد و کشول ندارد

- د: درست: وجود انواع کانال که در بین دار و سلولهای بول نوری آنهاست

سؤال ۱۶۴: وظایف های براقت را ذکر کن

نزدیک ۲ با سفر می باشد. زیرا این تواناند عتی تا پیش از میانی و ناچار طاهانه باشند

- نزدیک ۳: بدل وجود نیازی نمی داشته باشند و بجزئیه مشاسته در نور لیکم ایست

- نزدیک ۴: بدل لذت را در فاع خلاالت دارند

سؤال ۱۶۵: باسخ نزدیک ۳: انتقال کرد و این نسبت به بیرونی شخصی سرمه کلی نزد (بدل بجزی)

آنرا زیان نمی کند و بدل ذکر آنرا نمی کرد منتوس از نویسی نزد، منتظر رفع احیوت ها

- نزدیک ۱: حیرقه زندگی ساده منتظر های بیلوبیلیم نیست که اینها آنهاست می نزد مثلاً بجزئیه زندگی

کرم از انتقال های بیلوبیلیم نیست

- نزدیک ۲: در مورد آنرا زیان انتقال لزوماً ممکن نیز مثلاً آمیختهای الان یا ای

- نزدیک ۳: منتظر تو لید شل عنبر خیز است از درجه انتقال ها صدق نمی کند عرض تواند بجزئیه مصل

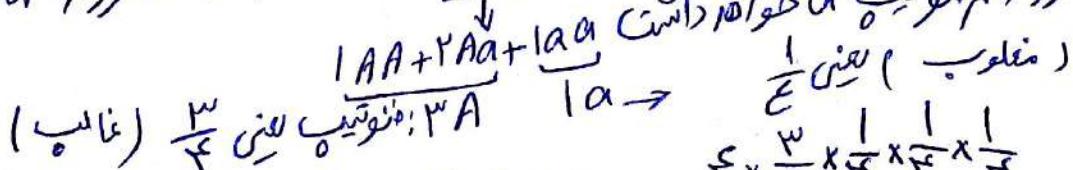
جنیس نعم داشته باشد مثل انتقال مالاریا یا بجزیه نرم عایی روره یا دم

سوال ۱۴۳ : پاسخ: نزنه ۳) عقلمنه سه سریاز و درسته متردار رندرها لایه تف
صلعی می باشد زیرا بازو هم صلعی است (عنین تو ساز رایی از قبیل بافت بیوندیس می باشد
نزنه ۱) اتمال طولی در عقلمنه متعلق به تارهایی باشد نه تارهایی ها
نزنه ۲) در اتفاقاً من های این و سرکش طول ناشی می باشد
نزنه ۳) در اتفاقاً من های کوادرانز اراس رندا آگاهانه صفتی نشود

سوال ۱۴۴ : پاسخ: نزنه ۴: منتظر مترداران می باشد که همتر رندر اند و از مولوی
آلی سب انترس می شود برخلاف لبیها (خبر خلیل های قمه‌های) که اتوکروف اند
نزنه ۱: همه آنواریان اند مترک نسبت مثلاً های دارال مکوماً عین محتراند (محترم‌تر از نز
مترک دارند) و اصطلاح مابین اتفاق بودن برای دیواره مترداران بکار رفته
نزنه ۲: برعکس ریاتوم ها تولید مثل عنبری دارند (دیاتوم: هسته ای که پیدا شده های...) حکم
دیاتوم های محوری تولید مثل عنبری دارند هست
نزنه ۳: برعکس تاکرداران حرخان در واقع مترک دارند نه تاکرک (تاکرداران حرخان)

سوال ۱۴۵ : پاسخ: نزنه ۱: در مترداران تعریف نفس واقعی، باشد این اثیران به ما می
بینی سلوکی می باشد
نزنه ۲: بسیاری از هسترات، دوزسیال و زنده طال صراحتاً می بروند هایی برای جلب حضت دارند
نزنه ۳: حدیث خور رای سطح مبارلم اپریل به رفعت در انسان (نه می سوالی ترسم خود می‌کند)
هزه های سیاری از آبری های قاع خارجی دارند عملی تنفس دیوی در همانجا می شود
ماهی دعا عرب بسیاری از دوزسیال

سوال ۱۴۶ ا: طبق مورک سوال زن و مرد $A \times Aa$ ام باشد نه سه مترزن آنها نتویپ A و



مترزنها می نتویپ $\frac{1}{2} \times \frac{3}{4} \times \frac{1}{4}$ که حول مترزن A می کوادرانز اول یاد روم و اسقم با هم باشد

مسئول ملکہ بیانیت نہیں؛ ساختار ہائی فاقد عنشا عبارت نہیں؛ ریبووزم ہاوس سائنسریول و اسکلت سلوول عروج کے عبارت محسس - (البتہ تابرک اسیم عنشا حارہی بارے)

الف) یادداشتی نشانی هسته ۴ بدليل اسلامک هسته ای هست که از قبیل پرستن های ساختاری رنزوشه دهنده
لستکری و تربیول ها می باشد که ریوزموم ها با ساخت آنها در سانتر بیول با سازماندهی آنها و
حرکت با حرکت دارند آنها خصیص (اندرسیس ترنینگ درست است (التبه تظریه طراحی مهندسی))
ب) نادرست: اسیم امدادی تقسم می شود پس نیازی به درکردن ندارد

نیز در این مقاله مسأله ای که آنرا در مورد این مسئله مطرح نموده است این است که آیا میتوان از این دو مدل برای تولید محتوا برخوبی تر است یا نه؟

سُوَال ۱۷۰: بِاسْنَه تَزْنِيَه ۲: در مورث سُوَال مُتَطَلِّبًا بَشَری هاست که هُنَى بَوْلِر مُتَلِّب عن جنسی یعنی
تفَقِع دُوَتَابی را دارند
— تَزْنِيَه ۱: نادر هست: بَشَر بَشَری ها حِوازی اند بعفونی را بَرچی تَوَانَند حِوازی یا بَرچی حِوازی بَاشند (نه همه)
— تَزْنِيَه ۲: همه با بَشَری های بَرگشته و مُرکَمِنْتی لَیسَوْل دارند تَنْدَلَه بعفونی طَی لَیسَوْل (ارندر-نادرست)
— تَزْنِيَه ۳: همه با بَشَری ها آنزوپیور مُتَكَبِّل مِنْ رَهْنَدَلَه در برخواه اتَّسْكَلَه می شود

$$P_{AA} = \frac{1}{4} P_{Aa} = \frac{1}{4} P \rightarrow x = \frac{1}{4} P$$

سوال ۱۷۴ پاسخ:

سوال ۱۷۳ پیاسخ بترنده؟ منظور ام (۱) حرخه طالوین می باشد /
جاء در
بترنده ۱: فلادرس: دریل سخ بهاب و هوای مرگ و عتید کتابهای C^3 و C^4 هایشانهم کل غیر نشانه بغيره
آنکه آزاد شدن C^3 از مولکول اکریلی درستونهای رس اتفاق میافتد
بترنده ۲: تثیت اولیه لعنیوال کس اسید اکریلی در C^3 و C^4 حرد و C^5 میشود زنادرست
بترنده ۳: خاطر ساز طاری عویض کتابهای C^3 و تثیت در مرحله ای، مانع از انجام تفسی نوری
عرضه می ایست رناری میشود - تادرست

سوال ۱۷۳ یا سخنگز نه ۳ : تاریخ زل برای افزایش تنوع درول جبیت بخدا
همه‌ها در ماده زنست اضراع تغیری مانند (عدم تکمیل خزانه زنی) جبیت را تغیری دهن
نموده‌اند؛ در هرست - داشتن زل جهت کوچکی از مختلف نایم ملساپانی به باره‌من آورد
نموده (۲)؛ تاریخ زل توأم باشد، ماهیت دغافل‌ها بین جبیت حاصل شود
نموده (۳)؛ راشن زل باشد حذف بجزی الـ هامی شود حال آنکه درول آمنزی
مندادن نسبی الـ هام را تغیر نماید راه

سوال ۱۷۴ یا سخنگز نه ۳. الـ نوی لجیستیک مسئله نامحدود در نظر رفتن منابع نزدیک را
که مسئله اهمی الـ نوی ملایی بور بادر نظر نموده (۴) (پارامتر تجارتی محیط احصار در این نهاد)

- نهاده (۱)؛ نادرست - عدم توجیه به تنوع افزایش از این راست الـ نوی لجیستیک همچنان
نهاده (۵)؛ نادرست - الـ نوی ملایی در مور (جهت) های رفاقت وجود ندارد (یا چنین هم نمی‌تواند
سوال ۱۷۵ یا سخنگز نه ۳ منظور گشوده بود) نهاده که توت تا تیر رو تذازه باخته
خشی بر قیمتی خواره‌عن لیتوانی قرار نماید.

- نهاده (۶)؛ نادرست - خواره‌عن در نظر برآورده است در نقل و انتقال طازه از تلقی خوب با ره صفاتی می‌نماید
نهاده (۷)؛ نادرست - بر قیمتی خواره‌عن به تهیه کردن دما می

نهاده (۸)؛ خواره‌عن ها در مکانیک ارثیه مسند نهاده می‌نمایند ۸ مدلول دارند و RBG هم
معصر الطرضی دستور حبس ۲۰۰m صحیح می‌نماید - نادرست

سوال ۱۷۶ نهاده (۹)؛ هفت بال بناهای داشتن که تنوع متوسطه در رک F₁ افزایش دهد

اما مسئله هم بناهای دیگر متوسطه در رک F₁ افزایش دهد
ملساپانی دارند لعن احتمال بال کوتاه ع و بال بلند ع می‌باشد (صفات افزایش دهنده عالی می‌باشد) AA (Aa)
(AA) X Aa F₁ Aa (Aa) X Aa (AA)

$$\begin{aligned} \text{Aa} \times \text{Aa} & \xrightarrow{\text{F}_1} \text{Aa} \quad \text{Aa} \times \text{Aa} \xrightarrow{\text{F}_1} \text{AA} \\ \rightarrow \frac{1}{2} \text{Aa} \text{ بال کوتاه} & = \frac{1}{2} \text{Aa} \text{ بال بلند} \quad \text{Aa} \times \text{Aa} \xrightarrow{\text{F}_1} \text{AA} \\ \frac{1}{2} \text{X}^K \text{Y} + \frac{1}{2} \text{X}^R \text{Y} + \frac{1}{2} \text{X}^K \text{X} + \frac{1}{2} \text{X}^R \text{X} & \xrightarrow{\text{F}_1} \text{X}^K \text{Y} \times \text{X}^R \text{X} \quad \text{X}^K \text{Y} \times \text{X}^R \text{X} \xrightarrow{\text{F}_1} \text{X}^K \text{Y} \times \text{X}^R \text{X} \\ 1 - \frac{1}{2} \text{X}^K \text{Y} & = [1 - (\frac{1}{4} \text{aa} \cdot \frac{1}{4} \text{X}^K \text{Y} + \frac{1}{4} \text{aa} \cdot \frac{1}{4} \text{X}^R \text{X})] \end{aligned}$$

سوال ۷۸) های سخنگویانه: در یعنی نظام محل جایگزین سلواهار بلاستومی به سلولهای نئوپلورم عروض درم و آزاد درم (منفی بافت های جنسی) می باشد همانند مانند مانند مانند
- نئونکتالا: تکوله برور میگردد در اینجا ای صرطعه لوقتی از فرم زرد آنماز شد نه زمان جایگزینی
- نئونکت (۲): هنگام جایگزینی هنوز چفتکاری نباشید اواریات غذایی با جهول مادر میگردد
- نئونکت (۳): هنگام جایگزینی کریزی کند آنرا سین از جایگزین است که نه یعنی نظام جایگزین

سوال ۱۷۹: سلولهای کنیدی و پوستی را در چه ماده کنترل می‌باشد

- الف: نادرست - سلولهای کنیدی می‌توانند کلونر را از خون برکشی از روده کر کم کنند (این کار ممکن نیست)
- ب: نادرست - تغیرات کنکتوژن در روده عمل آثمر کمی صباخته خور موقت
- ج: درست - در کامپیوتراکیولزی در روده سلولهای زندگ مدقق می‌شوند
- د: نادرست - صوکولز کر اکسیژن نیز سرینه اکسیژن کر $NaOH$ در راسته معلم می‌شوند

سوال ۱۸۰: پاسخ پرتو نه - پرسش کر هر کسی به دلیل وجود فناوری سبیطه اند نه انتساب

درین این اند

سوال ۱۸: یافته نهادن از مکانیکی

سوال (۱) : یادگیری کرنے کا مسلسل چشم (بامضم) پر
ایکارستک اور صفر (اوی) بابت افزایش حروف سلسلی روشن و سلسلہ حروف (بپاری) اور
نئے نئے (۱)؛ تحریکات آئندہ کرنے صفر (۱)، لیستین ہم حیات
نئے نئے (۲)؛ لکھرول در نئم لا یہ ہا و در لا یہ لا ی مونکول کر آئندہ کرنے راستہ کرنا ہے
نئے نئے (۳)؛ لکھرول دار اصل فہرست کر کر گھنٹوں رکھنا ہے

مسئلہ ۱۸۲: پاپنے کی تحریر میں! مدقکوں کیلئے وقار نہ صرفی باہم از جنم خارجی سود دینا رہی رہے۔
— تحریر (۱) خاطر ماہیتی بافت میونڈ کے اکابر انواع رشتہ هار کر لائیں چاہیز
— تحریر (۲) : ما جھنلاست میں کاری مسٹر چالس (کار)
— تحریر (۳) : علاقہ عصب بینایی از جنسی بافت میونڈ رہی باشد

سوال ۱۸۳ : با سخن نظر نیه (۱) متفکر از سوچین حلقه، بر صحیحها من باشند که هاگر

نلاس را ایجاد می کنند که تو سه سلوله ای که مفترضی احاطه می شود.

- نظر نیه (۲) : اسپورتین بالغ توان درخت اصل ایست که هاگر نارس از آن جدا شوند

- نظر نیه (۳) با اینجا ممکن است متفوز نابرابر دو سلول ایجاد می کند (ند دو مسیوز)

- نظر نیه (۴) : سلول پاراژن خود را ابتدا مادر هاگر مادرهاست که مادر هاگر نیز

سوال ۱۸۴ : با سخن نظر نیه (۲) هزار میلیون سال بین میلیارد سال، نه در ۱۹۴۷م

هزاری های متعدد هست و شروع به پیروزی از باشندگان میلیارد سال است

و سیاقاً تقریباً هر کی ها هم صربوای ۵۰۰ میلیارد سال است

- نظر نیه (۱) : ما ها اندیش هم در دارای ۱۰۰ میلیون سال است

و سال هایی می باشد

- نظر نیه (۳) اولین بروکاری ها صربوای ۵۰۰ میلیارد سال است و نیز این انقرافی را در ۱۰۰ میلیون

- نظر نیه (۴) : اولین بروکاری های میلیونی های میلیارد سال است و نیز این انقرافی را در ۱۰۰ میلیون

حال دورستیان اولین بروکاری های میلیونی های میلیارد سال است

سوال ۱۸۵ : با سخن نظر نیه (۱) : حبه باله خواه است که مورد متأثر خود را از حقول درست

سرمهزگ سترس می نظر نیه باله از سرمهزگ می نظر نیه ای و سترس را لذت در تغیر می کند مومن نیز

- نظر نیه (۲) : طازگر طائل از تلفی سلولهای رندهای از آن فاصله داشته باشد

- نظر نیه (۳) : طلب ما هم شایع است اما با الهام از آن بطلب ما هم از روند تغییر

- نظر نیه (۴) : باله سرمهزگ در تغیر سرمهزگ از آن فاصله داشته باشد

سوال ۱۸۶ : با سخن نظر نیه (۱) - متفکر صورت رخونی ولطفی می باشند

- نظر نیه (۲) : صورت رخونی ولطفی اما اینجا به قطب می باشد

- نظر نیه (۳) : صورت رخونی اما آن را در راست می کند - نادرست

- نظر نیه (۴) : از رخونی ای از صورت رخونی عبور می کند ولطفی - نادرست

- نظر نیه (۵) : فقط صورت رخونی دارای کلی ساختار رسمی خارجی خود را باشند نادرست

سوال ۱۸۷ : پاسخ سئر نیم ۳ - منظور صورت سوال لفظی از ظایه خاطر و
بلاموسیکی عاصی باشد که بلاموسیکیها با توجه باران و سلول از ظایه خاطر با توجه
آنچه بین مردها مشخص (نخاع گشته) از پرتو شدن دارای این ویژگی مترکم باشد
- سئر نیم ۳: با توجه به هنگام بلاموسیکیها از ظایه خاطر دسته متمایل به عشای سول است نه کامل
در صدر سلول

- سئر نیم ۳: بلاموسیکیها پاران هارا تغییر می کند که هم در حضور و هم در بیانها میتوانیم شوند ولی
سلول از ظایه خاطر آن ویژگی را ندارند - (رد سئر نیم ۴)

سوال ۱۸۸ : پاسخ سئر نیم ۴ - با اقبال نوچاکی دیگر نوچه هورمول تک آنزیم سطح درونی
بی سئر نیزه هورمول مصلی سودوار بیانی با خور هورمول ندارد حیول هورمول (سطح بیرونی
عفنا گردارد) -

- سئر نیم ۴: آنزیم درونی از سطح داخلی نوچه هورمول تک آنزیم مصلی می شود
- اسوفت اصلی سول سول نوچه سول نوچه (ست) نوچه موسر دارد
- سئر نیم ۴: آنزیم سطح درونی دک از خیدا مترکم از سطح درونی نخسا مصلی می شود

سوال ۱۸۹ : پاسخ سئر نیم ۴ - رفتار نوچه بیزیر در درون خاصی از زندگی جانور (ج) ۱۵
۱۶ رفتار مادرس ندل در طول زندگی تک جانور مکمل است رخ (ج) ۱۵

- سئر نیم ۴: مرکز سناوه در رفتار حل مصالح و نوچه بیزیر وجود ندارد

- سئر نیم ۴: در سطح ندل کلاسیک همچو به ویا رفتار نوچه در نزد دنیم اطلاع از زندگی رساند

سوال ۱۹۰ : پاسخ سئر نیم ۴
- سئر نیم ۴: نهنگ همیل و قدرتگاره ای بیورت \times صباشد و ناچالن است و حیول متوسطه
سالم دارد اما با مردم \times ازدواج نند \times در صدر فرزندان سالم اما اما حیول قدرتگاره \times دار
پیری سالم می باشد این بیاری همچو تواند راسته \times مغلوب باشد - ناره ک

- سئر نیم ۴: درست - منتقله بیاری زالی می باشد و در صدر مشاره اتفاق می از والدین بیار
ویکی ناچالن است مطالعه ناچالن می باشد $\leftarrow Aa \times Aa \rightarrow A^{\prime}a \times A^{\prime}a$ بیار

- سوال ۱۹۱: رویان کاره تکلیل مرد دانه کاج سامانه عین قفال و بایه طلاح خواست
 - نزدیکی (۱)، تبارلات گازرده در جات عین قفال بول رویان و جو (ندر) نادرست
 - نزدیکی (۲)، صول حوانه زنی ندارد حرکت افعال ندارد - نادرست
 - نزدیکی (۳)، بیاز عذابی رویان عین قفال آند می باشد نه هنوزی ندارد - نادرست
 - نزدیکی (۴)، نقص بیشتر دانه می باشد درست
- سوال ۱۹۲: با سخن نزدیکی (۱) - بخش (۱) ربا خارج مفصلی عین قفس (۲) ما همچنان
 نجیب (۳) سیول رشته ای و نجیب (۴) عقروض مفصلی می باشد - ربا طور رایی از این
 بافت پیوند رشته ای و طاوی کلاژن و رشته ای اراسین می باشد -
- نزدیکی (۵)، عقروض دارار سلول از مدور می باشد - دارار کو ناهم می باشد
- نزدیکی (۶)، ترددی استخوان را به ما همی مصلح می نماید دو استخوان را به هم در
 نزدیکی (۷) میوند هاترها بیانی از این بافت پیوندی هم کسر مصلح می شوند
- سوال ۱۹۳: با سخن نزدیکی (۸) - درناز استرامی دوره حدا مانند هزارنه زنی دوونه و اندیمه
 - نزدیکی (۹)، مصلح اینها چندار دورگیر زاید از زاده که ناقص داشته باشد مانند نیزه نادرست
- نزدیکی (۱۰)، مثلاً قاطر که از آصرش اسباب الامعقول ای لتوزالماطل هم کو تاکه نیست
 حواله ندارد - نادرست
- نزدیکی (۱۱)، درونه ترستا مصلح اینها تازه باشد مثل قاطر
- سوال ۱۹۴: با سخن نزدیکی (۱۲) - مخلوط سلولهای دایره معمیلهای می باشد که حرکت آن در می
 برو تو بلای است نگران نیست
- نزدیکی (۱۳)، در صبورت آندورم پوسته هسته و خنجرهای عین قفس هست، پوست آن می باشد
- نزدیکی (۱۴)، دستگات آوند چوبی بیرون سواره ای شکل متراده اند که بیهوده داخل تر خنجره
 و بیهوده بیرون نیز ناگزیر می باشد
- نزدیکی (۱۵)، از ریزی از بارز سلولهای دایر می خیلیم می باشد
- سوال ۱۹۵: نزدیکی (۱۶) - هم نوک از این مسازه هم این دایر می خنین از ریزی دارند / سلولهای آنها
 در مرحله هوایی تنفس (ضرف کردن و زینترانسیوال) با افتاده می باشد به ADP ATP می شوند

۱۱

۱۹۶ - سترنده ۲؛ این ویژگی در صورت این رایم صدیق غیر مسد

- مترنده ۳؛ در تکلیف از پر نویس شرینه آلدین (NaOH) استفاده می‌شود نه دونویس

- مترنده ۴؛ از ویژگی های سلولار لغای از سیمکسازی باشد نه این رایم

سوال ۱۹۷ - سترنده ۲ پاسخ صحیح است - پیش روی دسترسی های را که به روش عینی
توابع مدل می‌شود در راسته آسلو می‌باشد اما در این رده دیگر از عینی را در نظر
نمی‌گیریم تا عینی تغییراتی نداشته باشد. بنابراین عینی می‌باشد. عینی می‌باشد
- مترنده ۱؛ تاریخ تغییر سویا قادر تولید مدل خوبی باشد جو عینی دسترسی می‌باشد
- مترنده ۲؛ تاریخ تغییر سویا قادر تغییراتی باشد از سلول آسلو می‌باشد
- مترنده ۳؛ تاریخ طعم را نمی‌دانیم لیکن بنتها هم تاریخ دسترسی می‌باشد و قادر ساختار تولید مدل نباید
که این به ساقی از تغییراتی نداشته باشد از ویژگی بازی دسترسی های می‌باشد

سوال ۱۹۸ - سلول از راه مدل از او ویت ارائه که تبدیل از این می‌روند نشینند که ویژگی های
صفاتی می‌باشند و او ویت او ویت از این می‌روند نشینند که ویژگی های
تغییراتی صلبی صلبی چشم دنایاب در این مدل از این می‌روند از این می‌روند نشینند
الف: درست - ترف کار مسول تغییر می‌شوند هم از این می‌روند (التبه مدل انتقام رکوند)
ب: نادرست - در صورت اتفاق تک رنی درست و در صورت اتفاق صندرنی نادرست می‌باشد
ج: نادرست - جو علی اتفاق هستند و می‌روند صورت از این می‌روند نادرست می‌باشد

سوال ۱۹۹ - پاسخ سترنده ۴ - با تکلیف صریح دسترسی های از سلول (رافتسلولی) هم را می‌شیرند از این باشند
لیکن تاریخ تغییر (لیکن سلول (برخونی)) مولار سمی از این می‌شوند
- مترنده ۱؛ همچو صریح دسترسی های به تام تویی ها در RB هامور کسی نمی‌شوند از این می‌شوند
- مترنده ۲؛ در این می‌شوند از این می‌شوند از این می‌شوند از این می‌شوند

سوال ۲۰۰ - پاسخ مترنده ۳؛ دارین به تغییرات نادرست احتقاد را داشته باشند تغییرات ناگانه.
مترندهای او ۲۰۰ عنی چنانست کتاب درست می‌باشد

(۱۵)

سوال ۲۰۵ - صورت سوال می تواند چو یا می آندرم های : بسینورول و بسین

و لزیز زیرم ورین باشد اما وقت که اگر لزیز زیرم را هم در باطری بگیرم نزدیک از الف

وب دفع خاکستر لزیز زیرم و نزدیک دنبا طبر هید در لزیز بسینورول بسین ردم شوند

وسوال بدل مانع سخن همچو من مانند سین مطلع لزیز زیرم مدل باطری علاج نسبت

- الف: درست - بسینورول ورین ببورت صفتی های بسین ببورت عین مبتده است که نامناسبین اند

- ب: درست - بسینورول ورین ببورت صفتی های بسین ببورت عین مبتده از سلولهای اهلی نزدیک مبتده است

- ت: نادرست : نامناسبی بر تولید رین و بسینورول ندارد

سوال ۲۰۶ با سخن نزدیکی و بسین از همراه لزیز بسینورول تولد می شوند

لزدیکی از باشتری های تارک یا بیلی دارند و همچو

- نزدیکی ۲: نصفی از باشتری های هم بیوغی دارند و همچو

- نزدیکی ۳: باشتری های تارک سلوی با تولید مثل می شوند

سوال ۲۰۷ با سخن نزدیکی ۳: صفتیم کر I و II در عشا میکلا کو نیز باشند که با خوب

اشتری هم را تبدیل و بر این ترتیب تبدیل آشکار می باشد آذار تبدیل آنها از لارضی همچو شوند

- نزدیکی (۱) : P₃₀₀ صفتیم I و ۶۸۴ صفتیم II می باشند هردو

- نزدیکی (۲) : ببور ایکرونی صفتیم که از لارضی همچو این می شوند

- نزدیکی ۳: آشکار تبدیل آذار تبدیل از متفاوت است که از لارضی عشا می ببوری نزدیکی

سوال ۲۰۸ با سخن نزدیکی ۳ - سلوی که زن ببور ایکرونی انجام میتواند دارند که

صفتیم از این این از این این همچو ایکرونی انجام میتوانند (آمرنده)

- نزدیکی (۱) : سلوی که ایکرونی همچو ایکرونی دارند از صفتیم طامد و موناس بالغ حاصل شوند

- نزدیکی (۲) : طامد و موناس فاقد ایکرونی همچو ایکرونی می باشد

- نزدیکی (۳) : سلوی که طامد از میتوانند سلوی از زن ببور (ایکلونی) همچو ایکلونی باشند

(۱۳)

سوال ۲ - پاسخ نظریه ۲ - ویرودس ایدز RNA دارمی باشد نه
DNA در اینجا

- نظریه (۱) : متفقور ساخت ذرات ویرودس در نوع خاصی از لقونی کار تا جی باشند
- نظریه (۲) : بعد از بروز علایم بیماری روزگار ازین روش لقونی کار تا آنها طبق شعبه نباشد
- نظریه (۳) : به لحی صنعت ویرودس ایدز و تغیر آنها در این اوضاع آن و اگر موثری علیه این بیماری ساخته نشود.

سوال ۳ پاسخ نظریه ۱ - رنژروپیوم ها هم بر کاریوت ها می باشند
متواتر mRNA می توانند با هنری نی داشته باشند اما عامل ایصال خونی
هستیوکاریوت ها می باشد و فقط mRNA نگرانی حادی نیامد زده دارد.

- نظریه ۲: رنژروپیوم هادر عامل سل (ماکوپانژروپیوم تغیر کلوزن) هم بر کاریوت هم باشند
- نظریه ۳: گروشن کردن فیسی کثیره توالي آمنتوسیدسی همال RNA پلیمراز حافظه باشند
که در رنژروپیوم های نوع عورمه مالاریا (نوعی آنمازی ویوکاریوت) نفعه نوعی هم باشند
- نظریه ۴: عامل تکسوسیلاسیوز نوعی آنمازی ویوکاریوت می باشد که در این کاریوت ها
به لحی وجود هسته و جدا بول هفرازه تراجم و اونفسی مزهت بیشتر بر این قائم می باشد زده

- پاسخ کاملاً صحیح و بررسی شد نظریه ۱

دست تقدیمی دنیا امیر سیدی سراز
در صورت درگذشت سطل مامکار ۰۹۱۷۵۳۲۶۳۹۲۰ کار می باشد